

عنوان درس:

جریان شناسی انجمن حجتیه

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده

مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



فہرست

مقدمہ	۳
شکل‌گیری انجمن مجتبیہ	۶
عملکرد انجمن مجتبیہ قبل از انقلاب	۱۱
انجمن مجتبیہ پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۱۴
تعطیلی ظاہری انجمن	۱۸
اشارہ ای کوتاہ بہ برفی از عقاید انجمن	۲۰
پاسخ اجمالی بہ برفی از عقاید انجمن	۲۳
منابع و موافذہ:	۲۵

مقدمه

بازخوانی تاریخ اسلام نشان می دهد که در طول چهارده قرن گذشته اکثر ضرباتی که متوجه مسلمانان گشته است از کج فهمیهای بخشی از مسلمانان بوده است. از جنگ احد تا حوادث پس از رحلت رسول اکرم (صلوات الله علیه) ماجرای خوارج، شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) و غربت معصومین همه مسائلی است که مسلمین مسبب اصلی تحمیل آن بر جامعه اسلامی بوده اند، نه دشمنان خارجی.

عمده ویژگی های چنین جریاناتی تلفیق جهالت با عبادت، تنگ نظری و پیروی های صرفا شعاری نه قلبی می باشد. یعنی ایمان منهای معرفت که به گفته شهید مطهری همیشه منجر به سوء استفاده منافقین از دلسوزی های جاهلانه گشته است. نتیجه قوت گرفتن آنها استحاله اسلام، حذف محتوا و ماندن پوسته تو خالی خواهد بود. به گفته استاد رحیم پور ازغدی:

این روند مسخ مذهب؛ تفکیک مذهب از حکومت، تفکیک اخلاق از سیاست، حذف "محتوا" و "حفظ شکل" بود که به مبهم و مجهول الهویه کردن اسلام، هزار قرائتی کردنش، تفسیر به رای قرآن، تحریف دین و منحط کردن اسلام انجامید و همین هدف آنهاست؛ نه از صحنه روزگار برانداختن اسلام، که می دانند ممکن نیست. آنان نمی خواستند اسلام را محو کنند، می خواستند آن را مات کنند. اسلامی می خواستند و می خواهند بسازند که دیگر با گنج قارون و تخت فرعون، کاری نداشته باشد. یک اسلام بی طرف که با سیاست و اجتماعیات و حکومت و عدالت و حقوق بشر، کاری نداشته باشد. یک مذهب فردی و عبادی و خصوصی که ربطی به این مسائل عینی نداشته باشد و در حوزه حقوق بشر دخالت نکند.

ت
بصیر

می خواستند دین را به مقداری شعائر خنثی و غیر عینی و غیر سیاسی تبدیل کنند و یک اسلام خواب و گنج و کور بسازند و تحویل مردم بدهند.^۱ خون دلی که اسلام از این دسته افراد خورده است به هیچ وجه قابل انکار نیست. مشابه جریانات صدر اسلام در طول مبارزات تاریخی ملت ایران برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی نیز وجود داشته است. جملات بسیاری از حضرت امام خمینی(ره) شاهد این مدعاست. به عنوان مثال ایشان در پیام تاریخی خود به روحانیت می فرمایند :

دسته‌ای دیگر از روحانی نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه‌ی دربار می‌سائیدند یک مرتبه متدین شده و بر روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آنهمه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند، تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسئولین نظام کمونیست شده اند. تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) را مفید و راهگشا می دانستند، امروز از اینکه در گوشه ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رح می دهد فریاد وا اسلاما سر می دهند. دیروز حجتیه ای ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابی شده اند.

۱- حسن رحیم پور ازغدی، حسین عقل سرخ، طرح فردا، ۱۳۸۹، ص ۱۲.

ولایتی های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت بر ایشان جز تکسب و تعیش نبوده است امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند.^۱

شاید ذکر مقدمات فوق بتواند پاسخی به چرایی بحث از انجمن حجتیه در شرایط فعلی باشد. در حقیقت این جریان یک نمونه از چنین جریاناتی در عصر حاضر می باشد. هدف اصلی بحث عبرت گرفتن از جریان تاریخی این گروه برای شرایط امروز می باشد. هدف اصلی نقد و بررسی تفکر است نه تشکیلات. شاید بسیاری تشکیلات حذف شوند اما تفکر آنها باقی بماند و چه بسا بسیاری از تشکیلاتها باقی بمانند اما تفکرشان محو گردد. آنچه مهم است مواجهه با روحیه خوارچیگری است. لذا دلیل اصلی پرداختن به این موضوع عبرتهایی است که بازشناسی جریان حجتیه برای ما و زندگی روزانه و رو به آینده مان دارد. عبرتهایی برای جریان مبارزه با شرق و غرب و مستکبرین عالم. آفتها و انحرافهای انجمن زنگ هشدار است برای ما که دچار این آفتها نشویم. بازشناسی انجمن از حیث یکی از جریاناتی که در عصر حاضر مصداق کج فهمی و جهالت شده اند حائز اهمیت می باشد و مطالعه ما نه بخاطر انجمن که بخاطر خودمان و نسل خودمان است.

شکل‌گیری انجمن حجتیه

نام کامل انجمن حجتیه که به انجمن ضدبهائیت نیز مشهور بوده، «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» است. این انجمن مقارن با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأسیس شد. مؤسس این گروه آقای شیخ‌محمود ذاکرزاده تولایی است که به نام شیخ محمود حلبی شناخته شده بود. وی تا پیش از کودتا هر روز برنامه‌های سخنرانی در رادیو مشهد داشت.^۱

در خصوص علت و هدف تشکیل انجمن نظرات مختلفی وجود دارد. برخی بر این عقیده‌اند که در سالهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که تبلیغات وسیعی برای انحراف افکار عمومی توسط بهائیت به ویژه علیه روحانیت و حوزه‌ها راه افتاد آقای حلبی که در حوزه مشهد درس می‌خواند و استاد وی میرزامهدی اصفهانی - که علاقه خاصی به امام زمان (عج) داشته - به همراه طلبه دیگری به نام سیدعباس علوی توسط یک مبلغ بهائی به بهائیت دعوت می‌شوند. این افراد چند ماهی از وقت خود را برای مطالعه بهائیت صرف می‌کنند. سیدعباس علوی به خاطر زمینه‌های دنیوی و شهوانی که احتمالاً بهائیت در اختیارش می‌گذارد می‌لغزد و بهائی می‌شود و به عنوان یکی از مبلغان بزرگ بهائیت کتاب‌هایی هم در اثبات آن می‌نویسد. آقای حلبی با مشاهده این مسئله بهائیت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد و با برقراری تماس با افراد گول‌خورده از بهائیت، به جلسات تبلیغی آنان راه یافته، با آنها به مناظره و مباحثه می‌پردازد. سپس آقای حلبی به تهران آمده و جذب نیرو می‌کند و اطلاعات و تجربیات خود را منتقل می‌نماید.

۱- عماد الدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، تهران: نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۲۹.

ت

چون بهائیت مثل مساجد ما علنی و با پرچم فعالیت می‌کردند و خطر آنها نزد علما منعکس شده بود، پس از یک سری موفقیت‌ها، آقای حلبی و دوستانش مورد حمایت علما قرار گرفتند و علما اجازه استفاده از سهم امام را نیز به آنها دادند.^۱

نظر دومی که در خصوص تشکیل انجمن وجود دارد مربوط به خود انجمنی‌ها است. آنها معتقدند آقای حلبی رئیس انجمن مدعی شده که در سالهای ۳۲ خواب دیده است که امام زمان به وی امر فرموده‌اند که گروهی را برای مبارزه با بهائیت تشکیل بدهد. نظر دیگر حاکی از آن است که پس از بروز اختلاف بین آیت‌الله کاشانی و مصدق و شکست نهضت ملی نفت همزمان تبلیغات بهائیت نضج گرفت و گروهی را که در بینشان طلبه نیز بود از جمله هم حجره‌ای آقای حلبی را جذب کردند. لذا بهائیت در ذهن شیخ محمود حلبی بزرگ جلوه‌گر شد و به این نتیجه رسید که باید سیاست را ول کرد و دست به انجام اقدامات فرهنگی زد. به علت شکست نهضت نوعی یأس بر جامعه حاکم شد و عده‌ای که به دنبال جریانی می‌گشتند تا با وصل شدن به آن، یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیکی و سیاسی کنند، به این جریان پیوستند. گروهی دیگر برآنند که استعمار همواره یک قسمت از سیاست‌هایش فرقه‌سازی بوده و برای مطرح کردن، بالا کشیدن و رشد دادن آن فرقه دست به ایجاد یک ضدفرقه نیز می‌زده است و مسئله انجمن بهائیت و انجمن ضدبهائیت نیز مشمول این سیاست می‌باشد.^۲

۱- همان، ص ۳۰.

۲- همان، ص ۳۱.

ت
بصره

گذشته از علت شکل‌گیری انجمن حجتیه آنچه که با قاطعیت می‌توان گفت این است که انجمن برخلاف حرکت اسلام سیاسی و انقلابی حرکت کرده و با جدایی دین از سیاست نیروی خود را مصروف عوامل فرعی کرده از مبارزه با اصل و ریشه فساد غافل ماند و به همین جهت مورد استقبال دربار قرار گرفت.

به هر ترتیب آقای حلبی به تشکیلات خود رسمیت داد و نهایتاً در سال ۱۳۳۶ آن را به نام انجمن حجتیه مهدویه به ثبت رساند. این انجمن دارای یک هیأت مدیره بود که فعالیت‌های انجمن زیرنظر این هیأت مدیره انجام می‌گرفت. شیخ محمود حلبی ریاست هیأت مدیره را بر عهده داشت و اعضای این هیأت مدیره عبارت بودند از: حاج سیدرضا رسول، سیدحسن سجاید، محمدحسین غلامحسین، حاج محمدتقی تاجر.

اساس‌نامه انجمن دارای یک فصل، دو ماده، هشت بند و دو تبصره بود؛ تبصره یک عبارت است از اینکه، هدف انجمن تا ظهور قائم موعود غیرقابل تغییر است. در تبصره دو آمده است: «انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هرنوع دخالتی را در زمینه سیاسی که از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد بر عهده نخواهد داشت.»

انجمن حجتیه به زودی موفق شد در اکثر شهرهای ایران گروه‌هایی را سازمان بدهد و از تهران فعالیت آنها را هدایت کند. عمده ترین نیروهای انجمن معلمان و افراد باسواد بودند. به علت حساسیت رژیم شاه، روحانیون کمی در این انجمن حضور داشتند. از سویی نیز به دلیل اینکه مرحوم حلبی مخالف سرسخت فلسفه بود اعضای انجمن را از غیر روحانی انتخاب می‌کرد.

ت
بصیر

از آنجا که هر نوع فعالیت سیاسی از طرف اعضای انجمن ممنوع بود عملاً حمایت دستگاه امنیتی دوره حکومت محمدرضا شاه را به خود جلب کرده بودند. آقا علی اکبر پرورش از فعالان اولیه و سابق انجمن حجتیه می گوید: «از برادران و خواهران انجمن، نوشته می گرفتند که در امور سیاسی دخالت نکنند و انجمن شدیداً از درگیر شدن با مسائل سیاسی اجتناب می کرد.» به دلیل گرفتن تعهد کتبی مبنی بر عدم مبارزه و عدم دخالت در امور سیاسی از اعضا بود که انجمن، نه تنها کوچک ترین تهدیدی از جانب رژیم منحوس پهلوی نشد بلکه بعضاً مورد حمایت آنان نیز قرار گرفت. از طرف دیگر چون متظاهر به مذهب و مطیع مرجعیت هم بود نزد روحانیان هم توانست مشروعیت لازم جهت حمایت را کسب کند.^۱ حد اعتماد دستگاه امنیت رژیم شاه به آقای حلبی در سند زیر آشکار می شود.

رئیس واحد اطلاعات دستگاه امنیت دستور می دهد که هر اقدام نسبت به گروه حجتیه با نظر آقای حلبی باشد:

پیرو نامه شماره ۳۶/۱/۱۷-۱۲۵۲۵/۲۰۱۷۱ سازمان اطلاعات و امنیت تهران خواهشمند است دستور فرمایید از هرگونه اقدام و نظراتی که نسبت به اعضای پنج نفر یادشدگان در نامه پیروی مذکور به عمل خواهند آورد، این واحد را نیز آگاه سازند. ضمناً چون تجمع نامبردگان جنبه ضدیت با مسلک بهایی را دارد و برابر اطلاع حاج شیخ محمود ذاکرزاده تولایی معروف به حلبی از گردانندگان این جلسه

۱- محمدرضا اخگری، ولایتی های بی ولایت (بی جا: پرچم، ۱۳۶۷)، ص ۲۵.

با بخش ۲۱ سازمان اطلاعات و امنیت تهران همکاری‌هایی دارد اصلح است هرگونه اطلاعی در مورد جلسه متشکله را قبل از احضار بقیه از مشارالیه استفسار نمایند.

رئیس واحد اطلاعاتی کمیته مشترک ضدخرابکاری، ناصری ۳۶/۱/۲۳

با این سند، همکاری دستگاه امنیتی ایران و گروه حجتیه به خوبی آشکار می‌شود.

سند دیگری که در زیر ذکر می‌شود گویای آن است که هرگاه افرادی، از روی بی‌اطلاعی از روابط انجمن با دستگاه امنیت اقداماتی علیه برخی از فعالان حجتیه انجام داده‌اند مورد توبیخ دستگاه امنیت و رئیس آن قرار می‌گیرند: درباره شیخ محمود تولایی برابر اظهار نامبرده بالا آقای محمود صالحی نماینده انجمن مباحثه و ارشاد بهائیان به دین اسلام از طریق آن ساواک احضار و توضیحاتی در مورد انجمن مذکور از وی خواسته شده و با آنکه مشارالیه صراحتاً اعتراف نموده که کلیه سوابق امر توسط گردانندگان انجمن در مرکز در اختیار ساواک قرار گرفته معهداً مرتباً به عناوین مختلف اظهار و مورد بازرسی قرار گرفته است. خواهشمند است دستور فرمایید چگونگی و علت احضار نماینده انجمن فوق‌الذکر را اعلام دارد. مدیرکل اداره سوم - مقدماسناد فوق نشان می‌دهد که تا چه اندازه روابط انجمن با دستگاه امنیتی شاه نزدیک بوده است. بدون تردید اگر آنها کوچک‌ترین خطری احساس می‌کردند با شدت با انجمن حجتیه برخورد می‌کردند در صورتی که دستگاه امنیتی خود به حمایت و تشویق آنها پرداخته است. علی‌اکبر پرورش درباره عکس‌العمل دستگاه امنیت از استعفای خود از انجمن حجتیه می‌گوید: وقتی ساواک متوجه شده بود که من از انجمن کمار رفته‌ام همین نادری [از مسئولان عالی‌رتبه دستگاه امنیت] ملعون ما را خواست و خیلی فحاشی کرد و -

گفت چرا دیگر در انجمن نیستی.^۱

دستگاه امنیتی می‌دید افراد مذهبی که از انجمن جدا می‌شدند به سوی نیروهای انقلابی و ضد رژیم می‌روند، لذا انجمن محلی برای جذب نیروهای مذهبی بود.

عملکرد انجمن حجتیه قبل از انقلاب

طرح مسائل انحرافی و خرافات یکی از مهم‌ترین عملکردهای انجمن حجتیه، قبل از انقلاب است. مهم‌ترین و آشکارترین فعالیت انجمن، قبل از انقلاب، مبارزه با بهائیت بود. مبارزه با بهائیت فلسفه وجودی انجمن را شکل می‌داد؛ این مبارزه تنها در بعد فکری، انجام می‌گرفت و انجمن وارد فاز سیاسی و اقتصادی نمی‌شد. در حالی که بهائیت یک پدیده کاملاً سیاسی و شبه جاسوسی بود و متقابلاً یکی از راه‌های مبارزه با آن، برخورد سیاسی بود. از آنجا که انجمن سیاست را نفی می‌کرد با این ویژگی بهائیت درگیر نشد و فقط از پایگاه ایدئولوژیک به نقادی آن می‌پرداخت. به همین خاطر هنگامی که با هویدا نخست‌وزیر معدوم شاه، دکتر ایادی، دکتر ثابتی، یا هژبر یزدانی و غیره که از مسئولان و متنفذان حکومت استبداد بودند برخورد می‌کرد، با وجودی که بهائی بودند، انجمن ضد بهائی باز هم به دیده بی‌تفاوتی به آنان می‌نگریست زیرا درگیری با آنان اگر چه بهائی بودند جنبه سیاسی پیدا می‌کرد نه ایدئولوژیک و چون انجمن باید تنها با مبلغان بهائیت به مبارزه برمی‌خاست دیگر کاری به کار آنها نداشت.^۲ شهید رجایی می‌فرماید: «آن موقعی که برادران و خواهران مان زیر شکنجه فریاد می‌کشیدند اینها می‌رفتند

۱- همان، صص ۵۲ و ۵۳.

۲- باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان (تهران: نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲)، صص ۳۲ و ۳۳.

ت

ثابت کنند که بهائیت بر حق است یا باطل و دقیقاً در مقابل مبارزه قرار می‌گرفتند.»
۱ استاد شهید هاشمی‌نژاد در این رابطه می‌فرماید:

تعدادی از رهبرانشان (رهبران انجمن حجتیه) چنان بهائیت را بزرگ می‌کردند که انگار در این مملکت خطر، بهائیت است. در حالی که ما معتقد بودیم یعنی خط انقلاب معتقد بود که بهائیت شاخه‌ای از شاخه‌های استعمار، معلولی است ما باید سراغ علت برویم.^۲

در واقع، عملکرد انجمن حجتیه در راه مبارزه ایدئولوژیک با بهائیت همان طور که گفته شد در خدمت اهداف رژیم شاه بود. رژیم قصد داشت از یک طرف با ترویج ابزار شیطانی و شهوانی، جوانان این مرز و بوم را سرگرم کند و از طرف دیگر با تقویت جریان‌های غیرسیاسی و بی‌خطر همچون انجمن حجتیه، فکر جوانان مذهبی را از مبارزه با رژیم فاسد شاه به مبارزه فکری و ایدئولوژیک با گروه‌هایی همچون بهائیت سوق دهد. انجمنی‌ها مسئله بهائیت را آن قدر مهم جلوه دادند که حتی در مبارزه امام خمینی (س) با رژیم شاه شرکت نکردند و در ضمن چون این حرکت را نشئت گرفته از فتوای مرجع انجمن (آیت‌الله خویی) می‌دانستند از نظر شرعی نیز اشکالی در کار خود نمی‌دیدند. رهبران انجمن حتی با مشاهده سیل عظیم جمعیت مسلمانان در مقابله با نظام ستمشاهی و حمایت روحانیان معظم از آنها، حاضر نشدند که به امامت مرجع کبیر شیعیان تن بدهند و قیام مردم را با عباراتی مثل «وزوز پشه را چه به فانتوم» به استهزاء می‌گرفتند و می‌گفتند:

۱- روزنامه جمهوری اسلامی (۲۹/خرداد/۱۳۶۱)

۲- به نقل از: باقی، همان، ص ۳۴.

ت
بصیرت

«مشت بر درفش چه می‌تواند بکند» یا امام را مسخره کرده و اظهار می‌کردند که «یک خودکاری در دستش گرفته و یک اعلامیه‌ای نوشته می‌خواهد آمریکا را شکست بدهد.»^۱

انجمن قبل از انقلاب اسلامی نیروهای جوانی را که می‌توانستند در امر مبارزه مؤثر باشند نه تنها به جریان انحرافی می‌انداخت و از مسیر نهضت دور نگه می‌داشت بلکه در سخنرانی‌ها هم در منکوب کردن مبارزان اقدام می‌کرد چنانکه حلبی در یکی از سخنرانی‌هایش گفت:

چندی است تحریص می‌کنند. ولی چه از آب درمی‌آورند؟ چریک. چی از آب درمی‌آورند؟ مفسده خرابکار، مودی به اجتماع، مضر به نظام، تشویق می‌کنند اما یک جوری تشویق می‌کنند که آنی که به عمل می‌آید، بر ضرر تمام می‌شود، چون طبق اسلام تشویق نمی‌شوند.^۲

یعنی در واقع همان تهمت‌هایی که رژیم طاغوت به مخالفان خود نسبت می‌داد. اینها هم همان را طوطی‌وار تکرار می‌کردند. امام امت می‌فرمایند:

از بس اجانب و عملشان به گوش ما خوانده‌اند که: آقا برو سراغ کارت، سراغ مدرسه و درس و تحصیل، به این کارها چکار دارید؟ این کارها از شما بر نمی‌آید.

ما هم باورمان آمده که کاری از ما نمی‌آید و اکنون من نمی‌توانم این تبلیغات سوء را از گوش بعضی بیرون کنم.^۳

۱- مصاحبه اختصاصی با آیت‌الله خزعلی، به نقل از: باقی، همان، ص ۵۸.

۲- سخنرانی تحت عنوان: نظام، جهاد، حکومت اسلامی، به نقل از: اخگری، همان، صص ۵۴ و ۵۵.

۳- کتاب ولایت فقیه، ص ۱۶۷.

تجربہ

جدا از پرداختن انجمن به مسئله بهائیت به مثابه یک مشکل اصلی، یکی دیگر از اهداف انجمن، مسئله اهل تسنن بود؛ آنها برای ایجاد دافعه نسبت به آنان برنامه‌ریزی می‌کردند و این هم به طور دقیق همان جاده‌ای بود که استعمار ترسیم کرده بود. از موضوعات مهم سخنرانی‌های سرپرست انجمن، تبیین قدرت جسمانی امام علی(ع) و میزان تیزی و برندگی ایشان بود و اینکه امام یک تنه حریف جمعیت عظیمی بود و با هر فریاد الله‌اکبر یک تن را به زمین می‌انداخت. انجمنی‌ها از سنخ مروجان آن عقیده بودند که تمام فضایل امیرالمؤمنین را در شجاعت و شمشیر و شمشیرزنی او خلاصه ساخته بودند و تمثالی از حضرت می‌آفریدند که در معیت شمشیری بلند در کنار شیر پُر یال و کوبالی ایستاده بودند: بدین معنا که حضرت در شجاعت و قدرت همچون شیر است.^۱

با اوج‌گیری حرکت اسلامی در سال‌های ۵۶-۵۷ به رهبری امام خمینی(س) و با کمک روحانیان و علمای مجاهد، انجمن در یک بن‌بست گیر کرد و برخی نیروهای درون انجمن نیز انجمن را برای پیوستن به نهضت اسلامی زیر فشار قرار دادند، اما انجمن حتی بیانیه‌ای هم در پشتیبانی از تظاهرات‌های انقلابی صادر نکرد و به سبب همراه نشدن با حرکت مردم، انجمن با یک فروپاشی تشکیلاتی مواجه گردید، چون بدنه اصلی انجمن به انقلاب پیوسته بود.^۲

با این وجود رهبران انجمن، در مقابل حرکت مردمی و نهضت حضرت امام، بعضاً همراهی‌هایی با رژیم داشت و در مقابل نهضت اسلامی نیز سنگ اندازی‌هایی -

۱- به نقل از: علی‌انساب و سلمان علوی نیک، جریان‌شناسی انجمن حجتیه (قم: زلال کوثر، ۱۳۸۵)، ص ۲۲.

۲- مصاحبه با دکتر محمدرضا سیاهی ۸۵/۱/۱۹، به نقل از: علی‌انساب و علوی نیک، همان، ص ۲۵.

ت
بصیرت

داشت. اما تمام این سنگ اندازی‌ها و مخالفت کردن‌های انجمن، نتوانست انقلاب را از مسیر نهایی‌اش منحرف کند بلکه عده‌ای از اعضای انجمن هم با انقلاب اسلامی همراه شدند و انقلاب اسلامی با رهبری هوشمندانه امام(س)، لطف و عنایت خداوند و به همت مردم به پیروزی رسید.

انجمن حجتیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی انجمن حجتیه که در حیرت پیروزی انقلاب اسلامی بود تضعیف شد زیرا آنها اعتقادی به پیروزی انقلاب اسلامی نداشتند، لذا پنج شش ماه در حالت تردید بودند. انجمنی‌ها که تا واپسین روزهای پیروزی انقلاب می‌گفتند امام سیزدهم در پاریس نشسته و مردم را جلوی گلوله می‌فرستد در نیمه شعبان سال اول انقلاب عکس همه مراجع را زد و بعد از چند ماهی به تأییدات خود از رهبر انقلاب اشاراتی داشت و خود آقای حلبی از مضامینی چون عظیم‌الشان و رهبر کبیر برای امام خمینی(س) استفاده کرد.^۱

وقتی انجمنی‌ها به موضع انفعال افتادند نیروهای تربیت شده در انجمن، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. از دسته اول برخی مانند آقای پرورش، دکتر صادقی، استاد دانشکده الهیات مشهد، عبدالکریمی، استاد دانشگاه مشهد، مهندس مصحف و بسیاری دیگر به انقلاب پیوستند. در میان اینان، جوانانی نیز حضور داشتند که دست کم چند -

۱- سخنرانی آقای پرورش، به نقل از: باقی، همان، ص ۶۲.

تجربه
سالی انجمن را تجربه کرده و به صف انقلابیان پیوسته بودند. برخی نیز مانند آقای طیب که مسئولیت برگزاری مراسم سخنرانی‌ها را در تهران بر عهده داشت، نه تنها به انقلابیان پیوستند، بلکه به نوعی در برابر انجمن هم قرار گرفتند.

۲. دسته دوم در برابر انقلاب بی تفاوت ماندند.

۳. دسته سوم به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند.^۱

انجمن پنج ماه پس از پیروزی انقلاب، مبادرت به تجدیدنظر و اصلاحاتی در اساسنامه‌اش با افزودن تبصره‌ها و متمم‌هایی نمود که در شرایط انقلاب، قادر باشد گاه به میخ و گاه به نعل بزند و دو پهلو موضع بگیرد. مثلاً اگر در مواردی از آنها انتقاد می‌شود، فوراً شاهد خود را که متمم اساسنامه است به رخ می‌کشیدند که بلی ما مطابق اساسنامه‌مان مطیع و فرمانبردار رهبر عالیقدر انقلاب حضرت امام خمینی(س) و آماده خدمت به ارگان‌ها و نهادها و... و معتقد به ولایت فقیه و کذا و کذا هستیم.^۲ همزمان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجمنی‌ها سعی کردند در مراکز مهم دولتی نفوذ کنند. در زمان حاکمیت دولت موقت اکثر افراد نفوذی انجمن که از نظر فکری و عملی هماهنگ با بازرگان بودند، در پست‌ها مستقر شدند و به تدریج توسط خودشان افراد دیگر انجمن را وارد ارگان‌ها و نهادهای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی، جهاد، سپاه، دادگاه‌های انقلاب، فرمانداری‌ها، آموزش و پرورش و... نموده و آنان نیز برای القاء طرز تلقی‌شان از اسلام، تلاش -

۱- علی‌انصاری و علوی نیک، همان، ص ۲۸.

۲- باقی، همان، ص ۷۳.

ت
بصیرت

می‌کردند. از مراکز مهم دیگری که به طور چشمگیر افراد انجمن توانستند در آن نفوذ کنند مراکز اطلاعاتی کشور بود. کلیه مدارک و اسنادی که پرده از ماهیت واقعی و روابط انجمن با ساواک برمی‌داشت، سریعاً نابود شد و بقیه اسناد جمع‌آوری شده را هم در اختیار دیگر ارگان‌ها نمی‌گذاشتند. آیت‌الله جنتی در این رابطه گفت:

علت اصرار شما دایر بر این بود که در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات جمع‌آوری شده را به مراکز بهره‌وری و به ارگان‌های انقلابی نمی‌دهید چیست؟ چرا؟ مگر سپاه یا ارگان‌های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضدانقلاب را پی‌گیری نمایند؟ چرا با سپاه به صورت کامل همکاری ندارید؟^۱

با نفوذ انجمن حجتیه در مراکز اطلاعاتی، به خصوص مرکز اسناد ملی، امام خمینی(س) متوجه این خطر شده و خود شخصاً در سال ۱۳۶۲ مسئول مرکز اسناد ملی را تعویض نمودند. در همین سال، انتشار کتابی با عنوان «در شناخت حزب قاعدین» ضربه سختی بر انجمن وارد کرد. این کتاب پیش از آن، به صورت بخش‌بخش در روزنامه اطلاعات به چاپ می‌رسید، زمانی که کتاب در تیراژی بالغ بر هشتاد و هشت هزار جلد به چاپ رسید ضربه‌ای سهمگین بر انجمن وارد آمد.^۲ یکی دیگر از خط‌مشی‌های انجمن حجتیه بعد از پیروزی انقلاب جایگزینی مبارزه با مارکسیسم به جای بهائیت بود. هر چند سعی می‌کردند تا دو سه سال بعد از انقلاب همچنان خطر بهائیت را زنده نگه دارند ولی اهتمام اصلی خود را معطوف به

۱- به نقل از: اخگری، همان، صص ۶۲ و ۶۳.

۲- رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۳۷۵.

ت

مارکسیسم کردند و در کلاس‌های آموزشی خود مارکسیسم را نقد می‌کردند، این در حالی بود که حداقل به خطر و خسران فرهنگ غرب که تا مغز استخوان دانشگاه‌ها، مراکز تربیتی، ادارات و جامعه رسوخ کرده بود بی‌توجه بودند و مارکسیسم را مسئله اصلی نشان می‌دادند.^۱

یکی دیگر از عرصه‌های امتحان برای انجمنی‌ها دوران دفاع مقدس بود. انجمن در ابتدا که عراق به ایران حمله کرد هیچ‌گونه عکس‌العملی مانند کلیه گروهک‌ها و مجامع بین‌المللی از خود نشان نداد و پس از مدتی با همان دلایلی که علیه نظام وابسته رژیم شاه مبارزه نکردند و حتی با آن سازش و در مواردی همکاری داشتند، شروع به محکوم کردن جنگ در زمان غیبت امام زمان (عج) کردند و آقای حلبی در سخنرانی خود گفت:

اول شما یک افسر و یک پیشوا و رهبر معصوم پیدا کنید. رهبری که بتواند اداره اجتماع کند روی نقطه عصمت نه عدالت، دیشب گفتم اول او را پیدا کنید او را اقامه به کار بکنید. طرح داشته باشید، نقشه صحیح طبق نظر دین، رهبر معصوم داشته باشید... از من هم واجب است منبر را ول کنم. هفت تیر به کمر ببندم، بروم جلو... این کلمات علی جایش آنجاست نه هر جایی، نه به هر هدف غلطی و هر راه کجی و معوجی و خلافی... باید جنگ روی موازین دین به رهبری معصوم نه عادل، عادل کافی نیست... عادل گاهی اشتباه می‌کند، خون مردم، مال مردم، عرض مردم، ناموس مردم را نمی‌توان داد به کسی که خطا می‌کند.^۲

۱- باقی، همان، ص ۹۶.

۲- سخنرانی تحت عنوان: «نظام در اسلام» به نقل از: اخگری، همان، ص ۷۹.

تعطیلی ظاهری انجمن

همه اقدامات طرفداران انجمن در برابر نظریات امام خمینی (س) رنگ باخت و یک اشاره ضمنی از ایشان کافی بود که مسئول انجمن خود تعطیلی انجمن و البته نه انحلال آن را اعلام کند. با بروز اختلافات بین افراد حجتیه و طرفداران دولت در سبزوار، کار به زد و خورد نظامی کشید که نتیجه آن کشته و زخمی شدن عده‌ای از طرفین بود. در شهرهای دیگر مثل بوشهر، اصفهان و کرمانشاه هم اختلافات به تظاهرات و زد و خوردهای خیابانی منجر شد. انجمن آن قدر در کارشکنی و تبلیغات مغرضانه خود به روش‌های مختلف ادامه داد تا امام امت در عید فطر سال ۱۳۶۲ خطاب به انجمن فرمودند:

یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذاری که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد ما معصیت می‌کنیم که او بیاد؟ این اعوجاجات را بردارید. این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید. این دسته‌بندی‌ها را بردارید. در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.^۱

انجمن حجتیه پس از گذراندن مراحل مختلف، سرانجام در مرداد سال ۶۲ پس از اشاره به بیانات امام درباره عملکرد مغایر با اهداف نظام جمهوری اسلامی به ظاهر، تعطیلی فعالیت‌های خود را با انتشار بیانیه ای اعلام می‌دارد.

۱- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۳۴.

یکی از تحرکات سال های اخیر انجمن حجتیه دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی بود و این بار انجمن حجتیه به جای بهائیت و مارکسیسم مذهب سنی را هدف قرار داد. در زمستان سال ۱۳۸۱، انتشار خبر فعالیت های تفرقه افکنانه انجمن حجتیه در مناطق سنی نشین کشور، بحث درباره ماهیت این تشکیلات را بار دیگر نقل محافل سیاسی جامعه ما کرد این موج تبلیغات با تحریکات متعصبان اهل سنت علیه شیعیان همراه شده و فضای عمومی در مناطق سنی نشین را به گونه ای رقم زده است که طیف لاییک و سکولار اهل سنت نیز به گرایش های ضدشیعی پیوسته اند.^۱ پس از انتشار کتابی با عنوان «حقیقت وحدت در دین» نوشته فردی به نام یعسوب الدین رستگاری جویباری که به واکنش های شدیدی در میان علمای اهل سنت منجر شد؛ چاپ و توزیع این کتاب ها که با طرح جعلی «چاپ بیروت» بدون مجوز در قم انجام می شد در کشورهای عربی، پیامدهای نامناسبی به همراه داشته است.

به نظر می‌رسید شبکه القاعده و انجمن حجتیه به صورت خاص و طیف‌های تندرو و متعصب شیعه و سنی، به صورت عمومی، بر دامن زدن به اختلافات این دو مذهب اسلامی اصرار دارند، که روندی بسیار خطرناک به شمار می‌رود.

۱- علیانسیب و علوی نیک، همان، ص ۱۷۵.

ت
بصره

برخی افراد، اقداماتی از قبیل انتشار اعلامیه‌ها و نوشتن شعارهایی مبنی بر حقانیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اهانت به خلفای سه‌گانه و نکوهش عملکرد برادران اهل تسنن مبنی بر انتخاب مسلکی غیر از مذهب شیعی را دال بر تجدید فعالیت انجمن می‌دانند. این در حالی است که سرویس‌های اطلاعاتی استکبار جهانی نیز اکنون خط تفرقه بین شیعیان و اهل سنت را دنبال می‌کنند. لذا این حرکت ریختن آب به آسیاب دشمن قلمداد می‌گردد.

ترویج نمایندگی حضرت قائم و ملاقات با ایشان، ترور مسیبان تأخیر در ظهور امام زمان توسط گروه مهدویت با رهبری سید محمدحسین میلانی، واجب دانستن دعای تعجیل در فرج امام زمان مثل نمازهای یومیه و گناه کبیره دانستن ترک آن، از دیگر تحرکات اخیر انجمن حجتیه می‌باشد.

اکنون برای آنکه بتوانیم تفکرات و عقاید انجمن حجتیه را بهتر بشناسیم لازم است به طور اجمال رئوس عقاید و تفکرات آنها را ذکر نماییم.

اشاره ای کوتاه به برخی از عقاید انجمن

۱. با توجه به تبصره ۲ از ماده دوم که در سال ۱۳۳۵ تدوین و تصویب شد به هیچ وجه انجمن در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت چون که دخالت در سیاست زیبنده پیشوایان دینی نیست.
۲. مرحوم حلبی تأکید می‌کرد که دشمن اصلی اسلام بهائیت است. و امروز تکلیف شرعی و دینی همه ما آن است که با بهائیت مبارزه کنیم.^۱

۱- کتاب نهضت امام خمینی، ج ۳، سید حمید روحانی، ص ۱۳۴.

۳. قبل از امام زمان (عج) هر پرچمی که بلند شود در ضلالت است و به شکست می انجامد (تمسک به روایات رأیت) باید منتظر بود تا خود حضرت بیایند.

۴. تشکیل حکومت خالص در زمان امام مهدی (عج) است: استناد به روایت امام صادق - علیه السلام - که می فرماید: "ما خرج و لا یخرج منا اهل البیت الی قیام قائمنا احد لیدفع ظلما او ینعش حقا الا اصطلمة البلیة و کان قیامه زیاده فی مکر و هنا و شیعتنا".^۱

۵. باید گناه و ستم و معصیت به اوج خود برسد تا زمینه قیام آن حضرت فراهم شود و حضرت بیایند.

۶. جهاد در دوران غیبت معنا ندارد، گفتار مرحوم حلبی: شیعه می گوید در عصر غیبت امام زمان (عج) جهاد نیست چرا و پاسخ می دهد چون که حاکم اسلامی باید معصوم باشد مصداق پیدا نکرده است.^۲

۷. تقیه را در مقابل مبارزه قرار می دادند و معتقد بودند که مبارزه هدر دادن نیروهاست.^۳

۸. در عصر غیبت تمام مسئولیتها و وظایف یک انسان مسلمان، انتظار است و ندیدن امام معصوم از بزرگترین مصیبت هاست .

۱- عماد الدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۴۰.

۲- بگاه، ش ۷۱، ۴ آبان ۱۳۸۱.

۳- در شناخت حزب قاعدین، ص ۴۴.

۹. بهایی ها وجود امام زمان (عج) را منکرند، انجمنی ها آثار وجودی حضرت را نفی می کنند.^۱

۱۰. یکی دیگر از برخوردها و روش های انجمن که پس از پیروزی انقلاب و حتی هم اکنون به آن دامن می زنند بحث اختلاف شیعه و سنی است.^۲

۱۱. فلسفه را نوعی بدعت و ورود فلسفه یونان را به اسلام از طرح های استعماری می دانند.^۳

۱۲. هر گونه مبارزه با استعمار و استبداد نه تنها سودی ندارد بلکه مایه نیرومندی و پیشرفت بهائیها خواهد و پیوسته این اندیشه را پراکنده می ساختند که مبارزه با زورمندان و قدرت های جهانی ویژه حضرت مهدی (عج) است^۴ و قرآن با صدای رسا اعلام می دارد که خود را به دست خویش هلاک نکنید. و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه.

۱۳. خود را از علما و فقها، اسلام شناستر، آگاه تر، عالم تر و دلسوزتر برای اسلام می دانستند.^۵

۱۴. رهبر و ولی و حاکم جامعه فقط باید معصوم باشد، عدالت تنها کافی نیست، عصمت هم می خواهد.^۶

۱- کیهان، ۲۶ / ۱۰ / ۶۸.

۲- روزنامه اعتماد، ص ۳، سال ۱۳۸۱، ۶ آبان.

۳- همان.

۴- نهضت امام خمینی، ج ۳، حمید روحانی، ص ۱۳۴.

۵- همان، ص ۱۳۷.

۶- شناخت حزب قاعدین، ص ۱۱۸.



۱۵. اصول سه گانه: ۱) خودداری از تعرض به شاه؛ ۲) خودداری از تعرض به آمریکا و اسرائیل؛ ۳) خودداری از تعرض به مسایل سیاسی.

پاسخ اجمالی به برخی از عقاید انجمن

۱. عدم مداخله در امور سیاسی

دخالت نکردن در سیاست به این معنا بود که در مقابل شاه و رژیم او ساکت باشد و در حالی که امام تقیه را حرام کرده بودند.

۲. بزرگ نمایی بهائیت و تکلیف فقط مبارزه با بهائیت است:

علت قوت و پرورش بهائیت، شاه و رژیم اسرائیل و آمریکا بود اگر شاه از بین می رفت بهائیت هم از بین می رفت، پس باید مبارزه با شاه می شد تا با رفت علت، معلول هم از بین برود.

۳. قبل از امام زمان (عج) هر پرچمی بلند شود در ضلالت است و به شکست می انجامد مراد پرچمی است که به نام امام مهدی و با ادعای مهدویت برپا گردد نه هر پرچمی که برای برطرف کردن ظلم و جور برپا شود.

۴. باید گناه و ستم و معصیت زیاد بشود تا امام زمان (عج) بیاید امام در پیام خودشان فرمودند یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید حضرت صاحب مگر برای چه -

ت
بصر

چیزی می آید، حضرت صاحب می آید معصیت را بردارد ما معصیت کنیم که او بیاید این اعوجاجات را بردارید، این دسته بندی ها را برای خاطر خدا اگر مسلمان هستید و برای کشورتان اگر ملی هستید، این دسته بندهای را بردارید، در این موجی که الان این ملت را به پیش می برد در این موج خودتان را وارد کنید و بر خلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست (پیام امام در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۲)

۵. جهاد در دوران غیبت معنا ندارد .

اولاً که قیامها در زمان شاه، دفاع از اسلام بوده است و ثانیاً دلیل آنها بر عدم جهاد این بود که می گفتند رهبر معصوم نبوده و مصداق حاکم اسلامی وجود ندارد. در جواب باید گفته شود که خود امامان هم نایب داشتند و وکالت در امور را به بعضی از امنا و فقها سپرده بودند و در دوران غیبت امام معصوم امور را به فقها سپرده شده است.

۶. تقیه را در مقابل مبارزه قرار دادن و گفتن این که مبارزه، هدر دادن نیروهاست.

امام راحل می فرماید: و الله گنهگار است کسی که ساکت بنشیند. ۱

۷. تمام مسئولیت و وظیفه یک انسان انتظار است و ندیدن امام بزرگترین گناه است تمام وظیفه یک انسان عمل به تکلیف است و تکلیف در هر زمان فرق می کند و امام زمان (عج) از ما انجام وظیفه را می خواهد و دیدن آن حضرت تکلیف نیست.

۸. جدایی دین از سیاست امام راحل فرمود: دیانت ما عین سیاست ماست، دین بدون سیاست که معنا ندارد یعنی فقط از ما یک نماز و روزه را خواستند شیوه امامان معصوم هم و دخالت در امور اجتماعی و رهبری جامعه را به عهده داشتن این سیاست است پس ائمه - علیهم السلام - هم دین و سیاست را با هم عمل می کردند و در سال ۱۳۶۲، ۲۶ تیرماه امام راحل در پیامی که یک دسته دیگر هم ترشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید حضرت صاحب مگر برای وحی می آید، حضرت صاحب می آید که معصیت را بردارد ما معصیت کنیم که او بیاید این اعوجاجات را بردارید این دسته بندی ها را به خاطر خدا اگر مسلمید و برای کشورتان اگر ملی هستید این دسته بندی ها را بردارید در این موج که الان این ملت به پیش می برد در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.

و پس از این بود که با پیام مرحوم حلبی جلسات انجمن حجتیه تعطیل اعلام شد. در ضمن باید گفت که انجمن که قبل از انقلاب تز جدایی دین از

ت
بصیرت

سیاست را می زد پس از انقلاب رو به پُست های کلیدی آورد که مورد مخالفت شدید روشنفکران قرار گرفت و پس از انقلاب بسیاری از اسناد را در مرکز ساواک که به ضرر خودشان بود از بین بردند.

در پایان باید به این نکته توجه داشته باشیم که خط و تز و فکر انجمن مشکل داشت و عده ای از انقلابیون به خاطر اعتقاد به وجود امام زمان (عج) شاید چند روزی هم با آنها همکاری می کردند ولی بعد از این که مخالفت انجمن و امام را دیدند از انجمن جدا شدند.

منابع و مواخذ:

- ۱- ابوالفضل صدقی، جریان شناسی انجمن حجتیه، فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۲۰، تابستان ۸۸.
- ۲- روح‌الله حسینیان، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۳- کارنامه فکری انجمن حجتیه، پایگاه اندیشه قم.
- ۴- جریان‌شناسی انجمن حجتیه ضیاءالدین علیان‌سب و سلمان علوی نیک، انتشارات وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۵- محمد مهدی میرزایی پور، مکتب تربیتی انجمن حجتیه، چهارمین کتاب ضمیمه شماره ۷۱ هفته نامه پنجره.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

اگر ما بیدار باشیم، غفلت و یا اشتباهی نکنیم، دشمن نمی تواند کاری بکند. امروز روز بیداری ذهنهاست.
امروز کشور و ملت احتیاج دارد به این که مردم، تیزبین، هوشیار، بیدار و دشمن شناس باشند؛ بفهمند دشمن چه می کند.

